



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

درس، مضتم

سوره مبارکه ماعون

پرہیز از دوگانگی و توجہ کامل بہ خدا

هر چیزی، هر کسی و هر کاری ظاهری دارد و باطنی. ممکن است کسی در ظاهر به دیگران احترام گذارد و خیرخواه آنها باشد ولی در باطن از پشت به آنها خنجر بزند. ممکن است کسی در ظاهر وانمود کند که به چیزی توجه دارد ولی در باطن به آن توجه نداشته باشد. (مثلاً در کلاس نشسته و حرف‌های معلم را گوش می‌دهد ولی در واقع حواسش جای دیگر است.) اینکه ظاهر و باطن کسی با هم متفاوت است نشانه دروغگویی اوست. چنین کسی عملاً و باطناً دین خدا را نپذیرفته ولو اینکه در ظاهر ادعا کند. إن شاء الله ما جزو این گروه نباشیم.

مطالعه سوره مبارکه ماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند هستی بخش مهربان
أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْذِّينِ (۱)	آیا آن کس که دین را تکذیب می‌کند دیده‌ای؟
فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲)	پس او همانست که یتیم را می‌راند و تحقیر می‌کند.
وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳)	و دیگران را بر غذا دادن بر مسکین تحریک و تشویق نمی‌کند.
فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴)	پس وای بر نمازگزاران
الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)	همان کسانی که از نمازشان دچار سهوند
الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ (۶)	همان کسانی که ریاکاری می‌کنند
وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)	و از احسان و خیر رسانی به دیگران جلوگیری می‌کنند.

مرحله اول: تفکر حول موضوعات سوره

در این مرحله به کشف روابط و اثرگان با هم می‌پردازیم و در صددم تا عناصری که در سوره هستند را تک تک و با هم مورد توجه قرار دهیم.

ناگفته نماند که واژه رؤیت و دین که از واژه‌های مهم این سوره است با سوره مبارکه نصر مشترک است و از آن مهم‌تر اینکه خطاب در هر دو سوره مستقیماً به پیامبر صلی الله علیه و آله است که می‌توان پیام هر دو سوره را در راستای نظام امامت ولیّ حق در جامعه دانست. با در نظر گرفتن این اشتراک در این دو سوره، می‌توان بهره‌های فراوانی برد. برای دقت بیشتر به معانی واژگان از نظر مفهوم و مصداق و نقش آنها در جملات توجه می‌نماییم.

الف. بررسی واژگان سوره

کذب (یکذب)	هو ما یقابل الصدق، فهو ما یخالف الواقعیة و الحقّ، كما أن الصدق هو ما یكون علی حقّ و علی واقعیة.	در مقابل صدق است و آن چیزی است که با واقعیت و حق مخالف است.
---------------	---	---

دفع کردنی که همراه با شدت، سختی و بدون مدارا است.	هو الدفع بشدة و عنف.	دفع (يدع)
یتم به قطع شدن از چیزی که به آن تعلق دارد و در ضعف قرار گرفتن گویند. و یتیم کسی است که مربی و سرپرست امور و معیشت خود را از دست داده است.	هو انقطاع عما يتعلق به و انفراد فی ضعف. الیتیم بفقدان الأب المرئی المدبر المدير لمعیشته و اموره.	یتیم (یتیم)
ترغیب و برانگیختن برای امری است که آن امر دون شأن فرد است حال یا بر اساس ملاک‌های اعتباری یا توهمی.	الترغیب و البعث علی أمر هو دون شأنه و لو اعتبارا و توهما.	حضض (یحض)
خوردن یا نوشیدن که با اشتها و ذائقه همراه و هماهنگ است.	هو أكل شيء أو شربه مع اشتها و ذوق،	طعم (طعام)
قرار یافتن در مقابل حرکت را گویند و این استقرار می‌تواند از نظر مادی یا روحی مد نظر باشد.	هو الاستقرار فی مقابل الحركة و هو أعم من الاستقرار المادی و الروحی.	سکن (مسکین)
این کلمه برای مذمت شدید یا دعایی برای ضرر رسیدن به کسی استفاده می‌شود و ویل به معنای بلای شدیدی که بسیار نزدیک به هلاکت است.	أنّ الكلمة تستعمل فی مقام إنشاء ذمّ شدید و قرح أکید أو دعاء علی ضرر و شرّ، و هذا هو الأغلب فی استعمالها. و الویل بمعنی البلیة الشدیة القریة من الهلاکة.	ویل
این کلمه از سریانی و آرامی گرفته شده و به معنای عبادت مخصوص است و در عربی به آن نماز گویند و معنای ریشه آن مطلق ستایش زیباست که شامل تحیت و سلام و ... می‌شود.	مأخوذة من السریانیة و الآرامیة، و هی بمعنی العبادة المخصوصة، و یعبر عنها بالعربیة: بالصلاة. هو التناء الجمیل المطلق الشامل للتحیة و غیرها.	صلو (مصلین)
غافل شدن از عملی که انجام آن قصد شده بود و یا اراده بر انجام آن بوده است.	هو الغفلة عن عمل یقصد و یرید أن یعمل به.	سهو (ساهون)
ایجاد عذر برای فاعلی که می‌تواند کاری را انجام دهد و یا اخلال در جریان انجام یک کار.	هو ایجاد ما یتعذر به الفاعل القادر فی عمله، أو ایجاد ما به یتوقف جریان عمل.	منع (یمنعون)

معن (ماعون)	هو ملايمه و اعتدال في أمر و و هذا المعنى يختلف باختلاف الموضوعات. و في كل منها بحسبه: ففي الماء كونه هنيئا في مقام الشرب. و في الجريان كونه ملايما طبيعيا سهلا. و في أثاث البيت ما كان في جريان في البيوت و من جملة الأشياء و الأسباب المعمول بها في المتعارف. و في الإنفاقات ما يكون عند الناس معروفا غير منكر و فيه ملايمه لا صعوبه فيه.	ملايمت و اعتدال در يك امر را گویند. این معنی در موضوعات مختلف متفاوت است. در مورد آب به معنای گوارا بودن آنست. در جریان به معنای ملايم و طبیعی بودن و سهولت آن است. در وسایل منزل به معنای آن چیزی است که به طور معمول در خانه یافت می شود. و در انفاقها به معنای آن چیزی است که میان مردم معروف است و ناشناخته نیست و نیز در دادن آن سختی ای وجود ندارد.
-------------	---	---

ب. تصویرسازی از واژگان

با توجه به مفاهیمی که از واژگان ارائه شده است هر یک از عناصر سوره را در ذهن به خوبی مجسم نموده، نمونه‌های دیگری را که می‌توان به عنوان نمونه در تحقق معنای کلمه بیان کرد را عنوان نمایید.

واژه	تصاویر	نمونه‌های دیگر
رای	با چشم دیدن.	
کذب	دروغ گفتن.	
دین	اطاعت.	
دع	راندن چیزی یا کسی.	
یتیم	کسی که پدر ندارد.	
حض	اشتیاق کسی را برای چیزی برانگیختن.	
طعم	مزه داشتن.	
سکن	آرام گرفتن.	
صلو	نیایش و ستایش کردن.	
سهو	غفلت.	
منع	دست برداشتن از چیزی.	
معن	ماعون آنست که پیوسته در گردش و جریان است، چنانکه آن را تبر، دیک، دستاس و مانند آن که معمولا به عاریه داده می‌شوند، معنی کرده‌اند و ایضا مانند قرض دادن، صدقه دادن، و	

واژه	تصاویر	نمونه‌های دیگر
	زکات که در میان مردم جریان دارند. ^۱	

ج. ارتباط بین واژگان سوره

۱. اعراب سوره^۲

(أَ رَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ) همزه استفهام است. رأیت فعل ماضی و فاعل آن انت است. الذی موصول و یکذب بالذین صله است. بالذین متعلق به یکذب است. جمله صله در محل مفعول دوم برای رأیت است. (فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ) فاء در جایگاه فاء جواب شرط است، زیرا جمله در جواب شرطی است که در تقدیر است و آن این است که «اگر می‌خواهی بدانی یا اگر او را نمی‌شناسی» پس آن کسی است که یتیم را از خود می‌راند. ذلک مبتدا و الذی خبر آن بوده و جمله يدع الیتیم صله است.

(وَلَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ) واو عاطفه و لا نافی است و یخض فعل مضارع مرفوع و فاعل آن مستتر که در تقدیر هو است. علی طعام المسکین متعلق به یخض.

(فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ) فاء نتیجه است و ویل مبتدا و للمصلین خبر آن است.

(الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ) الذین نعت برای مصلین است و هم مبتدا و عن صلاتهم متعلق به ساهون است و جمله اسمیه محلی از اعراب ندارد چون صله الذین است.

(الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ) الذین بدل برای الذین قبلی بوده، هم مبتدا و جمله یراءون خبر آن است. این جمله صله برای الذین بوده و جمله یمنعون الماعون عطف بر یراءون است. مفعول اول یمنعون محذوف و الماعون مفعول دوم آن است.

۲. تصویرسازی کلمات در ارتباط با هم

- ویژگی‌های برخی از افراد جامعه که دور از حقیقت دین هستند.
- دورویی و فریب که در عبادت‌های فردی و اجتماعی ظهور می‌یابد.
- افرادی در جامعه‌اند که اوضاع نابسامان مادی و معنوی دارند. افرادی گرسنه، افرادی با توان معنوی بسیار پایین، افرادی که هیچ کار و شغلی ندارند، بچه‌هایی یتیم،... که در جامعه کسی به فکر آنها نیست.
- جامعه‌ای که قرار است دیندار باشد
- افرادی که نماز می‌خوانند، اما برای منفعت‌های خودشان می‌خوانند
- دینداری واقعی که با توجه، درک و مساعدت به نیازمندان همراه است.

^۱ قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۶۳

^۲ اعراب القرآن و بیانه، ج ۱۰، ص ۵۹۴ و ۵۹۵

• آسیب‌های اجتماعی

•

•

•

مرحله دوم: گزاره‌نویسی

در این مرحله با توجه به مضامین سوره، گزاره‌های عقلی را یادداشت می‌کنیم این گزاره‌ها ما را به غرض سوره نزدیک کرده، هر یک به تنهایی برای ما هدایت‌آور است.

الف. گزاره‌هایی از سوره

أرأیت الذی یکذب بالذین

• دین به معنای پذیرش قوانین مشخص حاکم بر اعمال و باورهاست که به پاداش یا جزا منجر می‌شود. بنابراین می‌توان در تکذیب آن، یکی از سه قید (پذیرش + قوانین + پاداش یا جزا) را در قول یا عمل و یا در قول و عمل انکار کرد.

• با توجه به تعریف دین، دین فقط متعلق به خداوند است که از طریق انبیا و اولیای الهی در اختیار بشر قرار می‌گیرد لذا خطاب اصلی در سوره پیامبر صلی الله علیه و آله است.

• مهم‌ترین آسیب اجتماعی تکذیب دین است؛ زیرا در این صورت تنها منافع شخصی، تعیین کننده ضوابط جامعه خواهد بود. در این صورت منافع فرد اقتضا می‌کند تا از برخی از احکام دین تبعیت کند. این تبعیت باعث دورویی در جامعه می‌شود. بدین ترتیب تکذیب دین با دورویی همراه است.

• شناخت کسانی که تکذیب کننده دین هستند برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی لازم است.

•

•

فذلک الذی یدع الیتیم و لا یحض علی طعام المسکین

• این آیات در مقام معرفی تکذیب کنندگان دین است.

• نحوه برخورد با یتیم و مسکین شاخصه دین‌داری است. و اگر منظور از دین، جزا باشد، عاقبت‌نگری مد نظر بوده است.

• نحوه برخورد با یتیم و مسکین، نیات باطنی فرد را آشکار می‌سازد.

• اطلاع از اوضاع دیگر افراد جامعه که از توان مادی و معنوی ضعیفی برخوردارند، از وظایف دیندار است.

• کسی که به فکر رفع محرومیت از جامعه نباشد، دیندار نیست.

• دفع یتیم با شدت در صورتی ایجاد می‌شود که فرد به کلی از عاطفه و احسان تهی باشد.

- حضّ بر طعام مسکین به معنای در نظر نگرفتن تعینات اجتماعی و منظر نامطلوب مردم در تشویق رسیدگی به مساکین است.

-
-
-

فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون

- خداوند برخی از نمازگزاران را شایسته هلاکت دانسته، آنها را از جرگه نمازگزاران خارج می‌کند.
- نمازی که صرفاً جنبه شخصی پیدا کند و فرد را در جهات مصالح مردم قرار ندهد، نماز مطلوب خداوند نیست. (فاء در ابتدای ویل فای نتیجه است) لذا اگر نماز انسان واقعی باشد فرد را از تکذیب دین مصون می‌سازد. در این صورت چنین کسی از دور کردن یتیم و رها ساختن مسکین خودداری می‌کند.
- بهره بردن معنوی از نماز با پذیرش یتیم، تشویق در طعام مسکین و کمک به دیگران، امکان‌پذیر می‌شود.
- خداوند در دین خود بین احکام فردی و اجتماعی تفاوتی نگذاشته است. و هر یک را به منزله ظاهر و باطن دیگری قرار داده است.

- خطراتی وجود دارد که فرد را نسبت به نمازش دچار غفلت می‌کند.
- این غفلت از جنبه اجتماعی و تبدیل شدن به یک حرکت اجتماعی بسیار خطرناک است.
- سهو از نماز به معنای غفلت و بی‌بهره بودن از منافع الهی آن است.

-
-
-

الذین هم یراؤون

- نمازی که انسان برای منفعت شخصی (مادی) بخواند، نمازی ریایی است. نشانه ریایی بودن نماز در این است که اگر فرد از طریق دیگری به آن منفعت برسد آن نماز را ترک خواهد کرد. (مگر به عادت)
- دیده شدن برای هر انسانی بسیار مهم است. اگر نتواند خود را برای خدا مهیا کند تا فقط توسط او دیده شود دچار ریا می‌شود.

-

و یمنعون الماعون

- منع از ماعون به معنای بی‌توجهی همراه با منع نسبت به وجود حداقل‌های زندگی برای سایر افراد جامعه است. چینی افرادی وضعیتی که برای خود در نظر دارند با وضعیت دیگران متفاوت است، زیرا خود را دارای فهم و کمال بیشتری می‌دانند و دیگران را با ضعف فکری یا رفتاری محسوب می‌کنند.
- کسانی که از حداقل‌های زندگی دیگران منع می‌کنند، در واقع به دارایی‌های خود فخر نموده دیگران را بی‌دست و پا فرض می‌کنند این افراد قبل از آنکه منع ماعون کنند، دچار همز و لمز می‌شوند.^۱
- خداوند که نماز را نشانه ارتباط بنده با خود می‌داند، آن را در وابستگی کامل با ارتباط با دیگر افراد جامعه معرفی کرده است.

- رسیدگی به احوال بندگان خدا معیاری در قرب یا بعد انسان از خدا و دین خداست.
- ساده‌ترین داشته‌های انسان می‌تواند بهانه کمک و ارتباط او با دیگر افراد جامعه باشد.
-
-

ب. گزاره‌های تفسیر المیزان درباره سوره مبارکه ماعون^۲

این سوره تهدید کسانی است که خود را مسلمان معرفی کرده‌اند ولی متخلق به اخلاق منافقین‌اند، [اخلاق منافقین] از قبیل سهو از نماز، ریا کردن در اعمال و منع ماعون، که هیچ یک از اینها [اعمال فوق] با ایمان به روز جزا سازگاری ندارد. این سوره هم احتمال دارد مکی باشد و هم مدنی.

أرأيتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ:

- کلمه «رؤیت» هم می‌تواند به معنای دیدن با چشم باشد، و هم به معنای معرفت.
- و خطاب در این آیه شریفه به رسول خدا صلی الله علیه و آله است، بدان جهت که فردی شنونده است، نه بدان جهت که پیامبر صلی الله علیه و آله است،
- در نتیجه خطاب [در آیه اول] به عموم شنوندگان دنیا خواهد بود.
- و مراد از «دین»، جزای یوم الجزاء است، پس کسی که دین را تکذیب کند منکر معاد است.^۳

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ:

- کلمه «دع» به معنای رد کردن به زور و به جفا است،
- و حرف «فاء» در کلمه «فذلک» برای توهم معنای شرط است،
- و تقدیر کلام «أرأيتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالْجِزَاءِ فَعَرَفْتَهُ بِصِفَاتِهِ، فَاَنْ لَمْ تَعْرِفْهُ فَذَلِكَ الَّذِي...» است؛ یعنی آیا آن کس را که روز جزا را تکذیب می‌کند، از راه صفاتی که لازمه تکذیب است شناختی؟

^۱ به درس بعدی مراجعه شود.

^۲ ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۶۳۳-۶۳۶

^۳ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: ولی بعضی گفته‌اند: مراد از دین، همان معنای معروفش یعنی کیش و ملت است.

• [در ادامه جمله بالا] اگر نشناختی پس بدان که او کسی است که یتیم را به زور از در خانه خود می‌راند، و به او جفا می‌کند، و از عاقبت عمل زشتش نمی‌ترسد، و اگر روز جزا را انکار نمی‌داشت چنین جرأتی را به خود نمی‌داد، و از عاقبت عمل خود می‌ترسید، و اگر می‌ترسید به یتیم ترحم می‌نمود.

وَلَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ:

• کلمه «حض» به معنای تحریک و تشویق است، و در کلام مضافی حذف شده، تقدیرش «و لا يحض على اطعام طعام المسكين» است؛ یعنی مردم را به اطعام طعام مسکین تشویق نمی‌کند.^۱

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ:

• یعنی آنهایی که از نمازشان غافلند، اهتمامی به امر نماز ندارند، و از فوت شدنش باکی ندارند

- چه اینکه به کلی فوت شود و چه اینکه بعضی از اوقات فوت گردد،
- و چه اینکه وقت فضیلتش از دست برود
- و چه اینکه ارکان و شرایطش و احکام و مسائلش را ندانسته، نمازی باطل بخوانند.

• در آیه شریفه تکذیب‌گر روز جزا به چنین نمازگزارانی تطبیق شده،

• چون حرف «فاء» که بر سر جمله آمده می‌فهماند جمله مزبور نتیجه تکذیب روز جزاست و می‌رساند چنین نمازگزارانی خالی از نفاق نیستند،

• چون تکذیب روز جزا تنها به این نیست که به کلی آن را منکر شود، کسی هم که تظاهر به ایمان می‌کند و نماز مسلمانان را می‌خواند، اما طوری می‌خواند که عملاً نشان می‌دهد باکی از روز جزا ندارد، او نیز روز جزا را تکذیب کرده.

الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ:

• کسانی که عبادت را در انظار مردم انجام می‌دهند، (و یا در انظار بهتر و غلیظتر انجام می‌دهند)، اینگونه افراد شکارچپانی هستند که با زبان شکار حرف می‌زنند، تا شکار به دامشان بیفتد، (در بین مسلمانان خود را مسلمان‌تر از آنان جلوه می‌دهند، و معلوم است چنین افرادی اگر در بین اهل ملتی دیگر قرار بگیرند، چهره آن مردم را به خود می‌گیرند).

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ:

• کلمه «ماعون» به معنای هر عمل و هر چیزی است که به شخصی محتاج داده شود و حاجتی از حوائج زندگی او را بر آورد، مانند قرض و هدیه و عاریه و امثال آن.^۲

^۱ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: بعضی از مفسرین گفته‌اند: اگر تعبیر به طعام کرد، نه به اطعام، برای این بود که اشاره کرده باشد به اینکه مسکین گویا مالک زکات و صدقه است و احتیاج ندارد به اینکه کسی به او اطعام کند، وقتی طعام را که حق خود او است به او بدهند او خودش می‌خورد، همچنان که در جای دیگر فرموده: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ».

بعضی دیگر گفته‌اند: طعام در آیه به معنای اطعام است. و اگر تعبیر به تشویق به طعام کرد، و نه به خود عمل (اطعام) برای این بود که حض هم شامل تشویق عملی؛ یعنی خود عمل اطعام می‌شود، و هم شامل تشویق زبانی.

^۲ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: تفسیرهای متفرق دیگری هم که برای این کلمه کرده‌اند به همین معنایی که ما کردیم بر می‌گردد.

مرحله سوم: تدبیر در سوره با نزدیک شدن به غرض آن

برای نزدیک شدن به غرض سوره برداشت‌هایی که از کلیت مفاهیم آن می‌توان به دست آورد را مرور می‌کنیم. این نکات و برداشت‌ها می‌تواند همیشه پیش روی انسان و هدایت‌گر او باشد. با تکمیل این نکات خود را برای دریافت هدایت سوره آماده کنید:

^۱ بحث روایی سوره در المیزان:

در تفسیر قمی در ذیل آیه شریفه «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ» آمده که این آیه درباره ابوجهل و کفار قریش نازل شد، و در ذیل آیه شریفه «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» آمده که منظور از این جمله کسانی هستند که به کلی نماز را ترک کنند، زیرا اگر صرف سهو، آدمی را مستوجب ویل سازد، باید همه مستوجب باشند، چون هر انسانی و مسلمانی در نمازش سهو می‌کند، امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه فرموده: منظور تاخیر نماز از اول وقت و بدون عذر است.

و در کتاب خصال از علی علیه السلام آمده که در ضمن حدیث چهارصدبندی فرمود: هیچ عملی نزد خدا محبوب‌تر از نماز نیست، پس مبدا هیچ کاری از کارهای دنیا شما را از نماز در اول وقتش باز ندارد، برای اینکه خدای عزوجل اقوامی را به همین جرم مذمت نموده و فرموده: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ یعنی کسانی که از در غفلت نسبت به امر نماز و اوقات آن سهل‌انگاری می‌کنند.

و در کافی به سند خود از محمد بن فضیل روایت کرده که گفت: از عبد صالح (موسی بن جعفر علیه السلام) از مفاد کلام خدای عزوجل پرسیدم که می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»، فرمود: کسی است که حق نماز را ضایع کند. مؤلف: و این مضامین در روایاتی دیگر نیز آمده.

و در الدر المنثور است که ابن جریر و ابن ابی حاتم و بیهقی در کتاب سنن خود، از علی بن ابی طالب روایت کرده‌اند که در تفسیر «الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ» فرمود: یعنی با نماز خود ریا می‌کنند.

و نیز در همان کتاب آمده که ابونعیم و دیلمی و ابن عساکر از ابوهیره نقل کرده‌اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه «وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» فرمود: ماعون همه آن چیزهایی است که مردم به عنوان کمک در بین خود عاریه می‌دهند و می‌گیرند، از تبر گرفته تا دیگ و دلو و نظایر آن.

و در کافی به سند خود از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت آورده که در ضمن حدیثی فرمود: منظور از ماعون در جمله «وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» قرضی است که بدهی و احسانی است که بکنی و اثاث خانه‌ای است که به عاریه بدهی، زکات هم یکی از مصادیق ماعون است.

مؤلف: در این روایت ماعون به زکات هم تفسیر شده، و این تفسیر از طرق اهل سنت نیز از علی علیه السلام روایت شده، نظیر روایتی که در الدر المنثور به این عبارت آمده: «ماعون» زکات واجب است که از آن مضایقه می‌کنند، و به نماز خویش خودنمایی و ریا می‌کنند، و مانع زکات خود می‌شوند.

و در الدر المنثور است که ابن قانع از علی بن ابی طالب روایت کرده که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می‌فرمود: مسلمان برادر مسلمان است، وقتی با او برخورد می‌کند، سلامش می‌گوید، و او سلام را به وجهی بهتر به وی بر می‌گرداند؛ یعنی او باید سلام کند و این باید علیک بگوید و باید که ماعون را از او دریغ ندارد. پرسیدم یا رسول الله ماعون چیست؟ فرمود: از سنگ گرفته تا آهن و از آب گرفته تا هر چیز دیگر.

مؤلف: رسول خدا در روایتی دیگر آهن را به دیگ‌های مسین و تبر آهنین، و سنگ را به دیگ‌های سنگی تفسیر فرموده.

۱. مهم‌ترین مؤلفه امامت در جامعه ارائه و اجرای صحیح دین است، دینی که غایت هر انسانی (هر عمل و باور) را مشخص کرده است و بیان می‌دارد که ظاهر و باطن دین در عبادات فردی و اجتماعی است.
۲. امام و دین در جامعه تبیین‌کننده شاخصه‌های عبودیت در جامعه است. شاخصه عبادت‌های اجتماعی پذیرش منطقی و صحیح یتیم و سعی در برطرف کردن چهره فقر و مسکنت از جامعه است و شاخصه عبادت‌های فردی نماز است. این دو شاخصه با هم میزان شده و ارتباط تنگاتنگ آنها نشانه‌ای برای کمال آفرینی آنهاست.
۳. تبیین دین و دین‌داری و آسیب‌های آن از وظایف رهبری جامعه است و پرهیز از این آسیب‌ها نیز از وظایف قطعی پیروان دین است. بنابراین این سوره انسان‌های دیندار را نسبت به آسیب‌هایی هشدار می‌دهد که اگر از آن مراقبت نکنند، از زمره کسانی هستند که دین را به تمسخر گرفته و آن را تنها برای منافع دنیوی خویش خواسته‌اند. این هشدار بسیار قوی است که لعنت خدا را در پی دارد. لذا می‌توان دور شدن از موانع ارتباط با خدا در ساحت جامعه را به عنوان غرضی دانست که تدبیر در این سوره به ما عطا می‌کند.
۴.

جمع‌بندی سوره

- برای جمع‌بندی سوره، سؤالات زیر را مورد توجه قرار داده و سؤالات دیگری بر آن بیفزایید.
- با توجه به این سوره چه دارایی‌هایی از خود را به عنوان ماعون تشخیص می‌دهید؟
 - آیا دارایی‌هایی که می‌توانید در اختیار دیگران قرار دهید صرفاً مادی است؟ مواردی از آن را نام ببرید.
 - برخی از مصادیق دعای یتیم و حضنداشتن بر مسکین چیست؟
 - چگونه می‌توان از ریا خارج شد؟
 - عامل ریا چیست؟
 - آیا ریاکار می‌تواند موحد باشد؟ چرا؟
 - این سوره برای خروج انسان از ریاکاری چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کند؟
 - اعتقاد به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام چگونه می‌تواند انسان را از آسیب‌های دین‌داری نجات دهد؟
 - آیا می‌توان مصادق‌اتم دین را ولایت ولی‌اللهی قرار داد؟
 - آیا می‌توان گفت با ملاک و معیار ولایت ولی‌اللهی، مصادیق کمک به یتیم و مسکین مشخص می‌شود؟ چرا؟
 - اگر نظام امامت در سوره در نظر گرفته نشود آیا امکان پیاده‌سازی مضامین سوره وجود دارد؟ چرا؟

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت به علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو را درباره خودت به چند خصلت سفارش می‌کنم. پس آنها را حفظ کن سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند یاری کن علی را، بعد فرمود: اما خصلت اول راستگویی است، مبادا که از دهانت ابدا دروغی بیرون بیاید. خصلت دوم پرهیز و ورع است مبادا هرگز به خیانت جرات پیدا کنی، خصلت سوم ترس از خداست به گونه‌ای که گویی او را می‌بینی، خصلت چهارم بسیار گریه کردن از ترس خداست، که برای هر قطره‌ای در بهشت خانه‌ای برایت بنا می‌شود، خصلت پنجم بخشیدن مال و خون (جان) برای دین است، خصلت ششم گرفتن سنت من در نماز و روزهام و صدقه‌ام است، و اما نماز (در سنت پیامبر) پنجاه رکعت است و روزه در هر ماه سه روز است که پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه وسط ماه است، و صدقه، کوشش و زیاده دادن آن است تا جایی که گفته شود اسراف کردی ولی اسراف نمی‌کنی، و بر تو باد به نماز شب و بر تو باد به نماز شب و بر تو باد به نماز شب، و بر تو باد به نماز زوال (نافله ظهر هنگام زوال خورشید از وسط آسمان). و بر تو باد به خواندن قرآن در هر حالی، و بر تو باد به بلند کردن دست‌ها در نماز و برگرداندن آنها (برای دعا)، بر تو باد به مسواک زدن با هر نماز و وضویی، بر تو باد به اخلاق نیک که به آنها آراسته گردی، بر تو باد به پرهیز کردن از اخلاق بد، پس اگر انجام ندادی ملامت مکن مگر خودت را.

امام صادق علیه السلام فرمودند هر گاه برای نماز آماده شدی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدَمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ يَدَي حَاجَتِي وَآتَوَجَّهُ بِهٖ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهٖ وَجِيهًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهٖ مَقْبُولَةً وَ ذَنْبِي بِهٖ مَغْفُورًا وَ دُعَائِي بِهٖ مُسْتَجَابًا إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^۱

خداوند من محمد صلی الله علیه و آله را برای برآورده شدن حاجتم به درگاه تو شفیع قرار می‌دهم و به واسطه او رو به تو می‌کنم پس مرا به وسیله او نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان گردان، نمازم را به وسیله او قبول نما و گناهم را به واسطه او ببامرز و دعایم را به وسیله او مستجاب کن که تو حتماً غفور رحیم هستی.

^۱ کافی، ج ۳، ص ۳۰۹